

ظہور

کاہنامہ اجتماعی، فردانی
وزیر عالیہ محدثہ سلام اللہ علیہ
معظم طالب، ظاظہ لزہرک سلام اللہ علیہ
شمارہ ۲۱، ایڈیشن ۱۳۹۱

ظرف کارکردگی
متین سوسائٹی
مذکور شرکت
علاقہ بخیر کرنے والے
وزیر روزگاری و ترقیات
لیگ کریماں کا اعلان





آن کسانی که می خواهند در یک کشور یا جامعه ای نفوذ پیدا کنند، فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آن ها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بینان خانواده است. کما این که در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده اند. مرد ها را بی مسؤولیت و زن ها را بد اخلاق کرده اند.

انتقال فرهنگ ها و تمدن ها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در جامعه و انتقالش به نسل های بعد، به برگت خانواده انجام می پذیرد. خانواده که نبود، همه چیز مبتلاشی می شود. این که می بینید غربی ها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی می کنند شهوت رانی و فساد را رواج دهند، برای چیست؟ یکی از علل آن همین است که می خواهند با این کار خانواده ها را مبتلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود، و بتوانند سوار این ها شوند. چون تا فرهنگ یک ملتی تضعیف نشود، کسی نمی تواند آن را مهار کند، به دهان او بزند و سوار دوش او بشود. آن چیزی که ملت ها را بی دفاع کرده است و در دست اجانب اسیر می کند، از دست دادن هویت فرهنگی است. این کار هم با برهم خوردن بینان خانواده ها در جامعه آسان می شود.

اسلام می خواهد این را حفظ کند. این خانواده را نگه دارد؛ زیرا در اسلام یکی از مهم ترین کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بینان خانواده است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ظہور

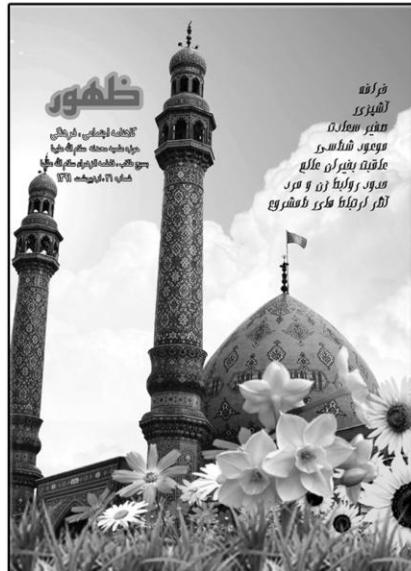
گاہنامہ اجتماعی، فرنگی

حوزہ علمیہ محدثہ سلام اللہ علیہا
بسیج طلب، فاطمہ الزہرا علیہا السلام

شماره ۲۱، اردیبهشت ۱۳۹۱



پیام نوروزی	۲
سخن سر دیر	۳
نجوای آشنا	۴
یکصد و پنجاه درس زندگی	۵
موعد شناسی	۶
کرامت نفس بندگان خاص	۸
قصه های پند آموز	۱۰
آشپزی	۱۱
حدود روابط زن و مرد	۱۲
ادبی	۱۴
نقش نیازهای مادی	۱۶
کلام نور	۱۸
آثار ارتباط های نامشروع	۱۹
خرافه	۲۱
زمان تأثیر توبه	۲۲
آثار ذکر	۲۴
درمان با کاسنی	۲۵
رمز پیروزی مردان بزرگ	۲۶
عاقبت بخیران عالم	۲۷
صفیر سعادت	۲۸



صاحب امتیاز: مدرسه علمیہ محدثہ(س)
و پایگاه مقاومت بسیج حضرت فاطمہ زہرا(س)
مدیر مسئول: رقیه رحیمی
سر دیر: رقیه رحیمی
طراح و صفحه آرائی: ا. صحرائی



بسم اللہ الرحمن الرحیم

یا مقاب القلوب و الأبصرار یا مدیر اللیل و النهار یا
محول الحوال و الأحوال حوال حالنا الی احسن الحال .
اللهم کن لولیک الحجۃ بن الحسن صلواتک علیه و
علی عابائے فی هذه الساعۃ و فی کل ساعۃ ولیا و حافظا
و قائدنا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسلکه ارضک طوعا
و تمنعه فیها طویلا .

اللهم اعطه فی نفسه و ذریته و شیعته و رعیته و
خاصته و عامتہ و عدوہ و جمیع اهل الدنیا ما تقر به
عینه و تسر به نفسه .

تبریک عرض میکنم عید نوروز و فرا رسیدن سال نو را به
همهی همیهنان عزیز در سراسر کشور، و به همهی ایرانیانی
که در هر نقطه ای از دنیا سکونت دارند، و به همهی ملتهای
که عید نوروز را گرامی میدارند؛ بالخصوص تبریک عرض
میکنم به خانواده های عزیز شهیدان، به جانبازان، به خانواده
هاشان، به همهی ایثارگران، به همهی فعالان عرصه های
مختلف.

سالی کہ گذشت - سال - ۹۰ - یکی از سالہای پر حادثہ
در سطح جهان و در منطقہ و در کشور ما بود. آنچہ کہ در
مجموع انسان مشاهدہ می کند، این است کہ این حادث بر
روی هم به سود ملت ایران و در راه کمک به هدفهای آن،
تمام شده است. آن کسانی کہ اهداف بدخواهانه ای درباره
ملت ایران و ایران و ایرانی در سر میپروانند، در کشورهای
غربی دچار مشکلات گوناگون هستند.

در سطح منطقه، ملتهای که جمهوری اسلامی از آنها
همواره حمایت کرده است، به هدفهای بزرگی دست پیدا
کرده اند؛ دیکتاتورهایی به زیر کشیده شدند؛ قانونهای اساسی
مبنی بر اسلام در کشورهایی تصویب شد؛ دشمن درجه
یک امت اسلامی و ملت ایران - یعنی رژیم صهیونیستی - در
محاصره قرار گرفت. در داخل کشور، به معنای حقیقی کلمه،
سال ۹۰، سال بروز اقتدار ملت ایران بود. در جنبه سیاسی،
ملت ایران در این سال، چه در راهیمانی بیست و دوی بهمن،
چه در انتخابات دوازدهم اسفند، آنچنان حضوری از خود
نشان داد و آنچنان شاخصی را برای اقتدار ملی در تاریخ
منطقه ثبت کرد که نظری آن را در گذشته کمتر داشتیم.

همان طوری که اول سال گذشته اعلام شد، سال ۹۰،
سال جهاد اقتصادی بود. اگرچہ هوشمندان و آگاهان
میدانستند که این نام و این جهت گیری و شعار برای سال ۹۰
یک امر لازم است، اما بعد تلاش های دشمنان در این سال هم
همین را اثبات کرد و نشان داد. دشمنان ما از اوائل سال،
حرکت خصمانه خودشان را در عرصه اقتصادی نسبت به
ملت ایران آغاز کردند؛ اما ملت ایران، مسئولین، آحاد مردم،
دستگاه های مختلف، با تدبیرهای هوشمندانه ای توانستند با
این تحریمها مقابله کنند و مواجهه آنها تا حدود زیادی
توانست اثر این تحریمها را خشی کند و حربه دشمن را گند
کند. سال ۹۰، سال فعالیت های بزرگ علمی بود؛ سال ۹۰ سالی
بود پر چالش، و سالی بود پر نشاط، و سالی بود که ملت ایران
به فضل الهی توانست بر چالش های موجود غلبه کند.

من امسال تقسیم میکنم مسائل مربوط به جهاد اقتصادی را
. یک بخش مهم از مسائل اقتصادی بر میگردد به مسئله
تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راستخ ملت و
با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که
شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید
بخش عمده ای از تلاش های دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش
مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است.
اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و



سینه سر (سر)

سالهاست که جمیع های بی قرار می آیند و می روند
و چشمان منظران سیر نمی شود.
سالهاست که بعض دیدار در گلو مانده است و دستان
عاشقان بر دعاست.
دیر زمانی است که آینه قلب هایمان زنگار فراق
گرفته و تو انگار برای ماندنت بی بهانه نیستی.
مدتهاست که شوق پرواز پرستو ها، بی تو خاموش
شده است...
مدتهاست که دشت های افقی، بی تو کویر است...
اینجا خروش هیچ رودی بدیگر به گوش نمی رسد...
دیر زمانی است که آینه ها، حقیقت را نشان نمی دهند
و حتی آب که دلش گل آسود است از غبار غم ها.
نفس کشیدن بی تو در این هوای غم آسود چه سخت
است و سنگین، مولای من!
تنها دلخوشی مان تپش پنجه های روحان را به
دشت نورانی یاد توست.

اللهم حجل لولیک الفرج

هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالشایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه‌ی کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین مسئله‌ی تولید ملی، مسئله‌ی مهمی است.

بنابراین همه‌ی مسئولین کشور، همه‌ی دست‌اندرکاران عرصه‌ی اقتصادی و همه‌ی مردم عزیزان را دعوت می‌کنم به این که امسال را سال رونق تولید داخلی قرار بدهند. بنابراین شعار امسال، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» است. ما باید بتوانیم از کار کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه‌ی سرمایه‌دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه‌ی تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه‌ی اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فرضیه بدانیم که هر کالائی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی بعد پرهیز کنیم؛ در همه‌ی زمینه‌های: زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهمتر، بنابراین ما امیدوار هستیم که با این گرایش، با این جهتگیری و رویکرد، ملت ایران در سال ۹۱ هم بتواند بر توطئه‌ی دشمنان، بر کید و مکر بدخواهان در زمینه‌ی اقتصادی فائق بیاید.

از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که ملت ایران را در این صحنه و در همه‌ی صحنه‌ها موفق و مؤید بدارد. روح امام بزرگوار را شاد و از ما راضی کند. ارواح طبیعی شهدان عزیز ما را با اولیائشان محشور فرماید.

والسلام علیکم مرحمة الله و برکاته

مُحَمَّد

پروردگار من، کنایا من مرا فاموش ساخته، و رشته گفتارم را بگسیته است، زیرا
بختی برایم نمانده است، و از لین رو به بلیه نمود اسیر، و به کردار نمود در کرو، و در
خطای نمود سرکشته، و از مقصد نمود سرکدان و در راه درمانهایم هم اکنون نفس
نویش را در موقع ذلیلان کنایا کار داشته‌ام؛ در موقع بدینه ای که بر تو ببری شده
ازد و وعده ترا سرسی شمرده‌اند.

منزه‌ی تو! به په جرأت بر تو دلیری کردم؟!
و به کدام فریب نمود را به مهلهک افکندم؟!

مولای من، رحمت آور بر زمین نمودن با صفحه صورتم، و بر لغزیدن کام و
بینش به طلم نمود بر ناداییم، و به احسان نمود بر بدکارایم، زیرا منم که به کنایه نمود
مقر، و به خطای نمود معترفم، و این دست و سر من است که برای قصاص از نفس
نویش آن را به زاری تسليم کرده‌ام. بر پیری و به آن رسانید عمر و تزدیک شدن
هرگ و ناتوانی و مسکینی و بیچارگیم رحمت آور.

ای زداینده‌اندوه، و ای زایل کننده‌غم، ای بخششده در دنیا و آفرت، و مهربان
در هر دو سرای، بر محمد و آل محمد رحمت فرست، و اندوه مرا بر طرف کن، و غمیم
را بزدای.

ای یکانه، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای کسی که نزد و زائیده نشده، و هیچ همتایی
نداشته، مرا نکاه دار و پاک ساز، و کرتاریم را بر طرف کن.
ای صاحب بلال و اکرام، توفیق عملی را از تو می‌خواهم که بوسیله آن هر که
آن را بجا آورد او را دوست داری.

خدایا، رحمت فرست بر محمد و آل محمد و دلم را بسیوی راستی فرا کشن، و
تابیتم را از دنیا بگسل و رغبتیم را از سر شوق به لقایت در آنچه نزد تو است قرار ده
زیرا که تو بخشایشگر و کریمی.



بَارَانٌ نُورٌ فِي سَمَاءِ الْأَرْضِ

آیت‌آیه... ناصر مکارم شیرازی

دروس مشتمل

باران دانش بر دل ها

لعمان حکیم می‌گوید:

يَا بَنِي إِنِّي يُحِبِّي الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحَكْمَةِ كَمَا يُحِبِّي الْأَرْضَ بِوَابِ السَّمَاءِ
(۱)

ترجمه:

فرزندم! خدا دل های آدمیان را با نور دانش زنده می کند، آن سان که زمین های مرده را با باران
های پر برکت آسمان! (بحارالانوار، جلد ۱).

شرح کوتاه:

سرزمین دل انسان همچون باستانی است که انواع نهال ها و بذرهاى گلها و
گیاهان و درختان برومند در آن پاشیده شده است، که اگر بموضع آبیاری شود
محیطی پر طراوت و پر ثمر به وجود خواهد آورد.



تنها وسیله آبیاری این سرزمین قطرات زنده کننده باران علم و دانش است. و
به همین دلیل دل های بی دانشان دل هایی است مرده، بی فروغ و بی ثمر.
همیشه، و در هر حال، جان خود را با نور دانش زنده نگهداریم.

۱. از کتاب بحارات‌الأنوار، جلد ۱.



امام قائمؑ مهیا است
امید انسانها

هدایت و رهبری مردم از راههای گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ انسانها بوده، و با وجود آمدن انسانها، خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گشیل داشت، تا حدی که در این راه ۱۴۰۰ پیامبر آمدند که اولین آنها حضرت آدم علیه السلام و آخرین آنها پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وآلہ وسلم بود.^۱

اینها تمام توان و تلاش و کوشش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند، ولی هیچیک در زمان حیات خود به نتیجه نهایی و مطلوب و حکومت دلخواه نرسیدند، و نوعاً قلمرو رهبری آنها در نقطه حدودی بود و موقعه به تشکیل حکومت جهانی نشدند (با توجه به اینکه اصلاح کامل در سایه حکومت مصلح جهانی صورت خواهد گرفت)، امید همه این بود، این راه ادامه یابد، و در همه مردم و همه جهان زمینه بوجود آید و حکومت جهانی قائم علیه السلام برقرار گردد، تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومت درخشان پر از صفا و صمیمیت است، نایل گردند.

و این امید همچنان ادامه دارد، و پیامبر اسلام و ائمه اطهار(علیهم السلام) هیچ یک با آنهمه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند، و همواره و کراراً فرمودند: «اگر در دنیا یک روز هم بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم(علیه السلام) برقرار شود». ^۲

و آن مهدی موعود(علیه السلام) است که به این امر مهم جامه عمل می پوشاند و به تعییر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(قدس سره):

«هن نی توانم اسم دهی روی ایشان (قائم عیّج) بگذارم، بزرگتر از این است، نی توانم بگویم که اول شخص است، پرای اینکه دوهي در گار نیست، ایشان را ما نی توانیم با هیچ تعبیری تغییر کنیم لا همین که «مهدی موعود» است، آنکس که خدا او را ذخیره گرده است پرای پیش». ^۳

جمله «بقیة الله» که از القاب معروف آن حضرت است حاکی از این است که خداوند او را ذخیره کرده، تا همه مظلومان و پیامبران و طرفداران توحید و حق را در کل جهان به آرزو و امیدشان برساند.



دارد تا خداوند حضرت قائم علیه السلام را بر انگیزد، تا او اندوه و نابسامانیها را از ما رفع کند و ما را شاد نماید.^۵

۳- امام صادق علیه السلام به یکی از یاران فرمود: «تفسیر آیه فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ (به آنجه مخالفان می گویند استقامت کن) این است که: ای محمد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من به دست مردی از نسل تو که او را بر خون ستمگران مسلط کنم، از آنها انتقام می گیرم.^۶

با توجه به گفتار بعضی از پیامبران که در کتب آسمانی تورات و انجیل و ... آمده و از گفتار ائمه علیهم السلام و ... چنین به دست می آوریم که امام قائم علیه السلام امید همه در همه تاریخ و همه جهان است، البته باید توجه کرد که انسانها به چنین امید بزرگی نخواهند رسید مگر با کوشش و تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر، چنانکه خود امامان علیهم السلام بارها این مطلب را تذکر داده اند، و در لابلای این کتاب به آن اشاره خواهد شد، و گرنه با دست روی دست گذاشتن کاری ساخته نیست.

بی نوش:

۱. مجمع البيان جلد ۱۰ صفحه ۴۷۶.
۲. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۵۱ که حکومت دخواه همه پیامبران است.
۳. سخنان امام در نیمه شعبان ۱۲۶۰ در حسینیه جماران.
۴. بخارالآوار، جلد ۵۲ صفحه ۲۸۰.
۵. مفہوم البخار، ج ۲، ص ۴۴۸ و عيون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۳.
۶. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۱۲۸ - روایت دیگری نظری این روایت در ص ۶۳ کتاب اثبات الهداء آمده است.

در اینجا برای تکمیل مطلب فوق به سه روایت ذیل توجه کنید:

- ۱- یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: به محضر مبارک حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: «آیا شما صاحب ما هستید؟» فرمودند: آیا من صاحب شما هستم؟! سپس پوست بازوی خود را گرفت و کشید و فرمود: «من پیر مرد سالخورده ام، اما صاحب شما جوان است.»^۴

تعییر «صاحب» در مورد امام قائم علیه السلام حکایت از حکومت سراسری و همه جانبه او می کند که مسلمانان جهان باید در انتظارش باشند و برای بدست آوردن آن بکوشند.

- ۲- دغبل شاعر آزاده و متعهد عصر امام رضا علیه السلام به حضور آن حضرت رسید و شعرهای پر مغز و جانداری در مدح اهلیت عصمت و طهارت علیهم السلام خواند، حضرت رضا علیه السلام در پایان به او فرمود: این دو شعر را نیز بر شعرهای خود بیفرای:

یکی از دو شعر این است:

إِلَيْهِ الْحَسْرُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا

يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكُرْبَاتِ

این قبرها یا این غمها و نابسامانیها همچنان ادامه

قسمی از توقع مبارک حضرت حجت (عج) برای شیخ مفید(ره) «کسی که از برادران دینیت، تقوا پیشه کند و از خدا بترسد و آنجه که بر عهده اش است به مستحقش واگذار نماید از فتنه و آشوب باطل محفوظ خواهد ماند. و اگر پیروان ما (خداوند آنها را توفیق دهد) به اتفاق با صدق قلب، وفای به عهد (اسلام) کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تأخیر نمی افتد، و سعادت دیدار ما سریعاً به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است و او نیکو نگهبان است، و درود خدا بر آقای ما بشارت دهنده و ترساننده، محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) و دودمان پاکش باد.»

گرامیت نفس پندگان خاص

قرآن در بیان یکی از ویژگی بندگان بر جسته خدا می فرماید:

وَإِذَا مَرُوا بِاللَّغْوِ مَرُوا كِرَاماً (الفرقان/٧٢)

از ویژگی های بندگان خاص خدا این است که هرگاه با امور لغو و بیهوده رو به رو شوند با بی اعتنایی و بزرگوارانه از کنار آن می گذرند.

این ویژگی، بیان گر آن است که بندگان ممتاز خدا، نه تنها با هرگونه باطل و بیهودگی مبارزه می کنند و برای از بین بردن آن تلاش می نمایند، بلکه با مبارزه سلبی - که یکی از مراحل مبارزه است - با باطل و بیهودگی، بی اعتنایی و ناخشنودی خود را ابراز می دارند و به هیچ وجه و تحت هیچ عنوان - مانند تسامح و تساهل - حاضر نیستند در برابر باطل، سرخم کنند و آن را تایید ننمایند.

وظیفه مهم نهی از منکر، اقتضای مبارزه شدید دارد، ولی وقتی راهی برای مبارزه نمانده است نوبت به مبارزه سلبی که نوعی قهر و اعتصاب است می رسد.

این ویژگی حاکی است که بندگان ممتاز خدا نه تنها هیچ گونه روی خوش به باطل و محیطهای فاسد نشان نمی دهند، بلکه به طور جدی و با موضع گیری قاطع در برابر آن می ایستند.

واژه لغو در اصل به معنای بیهودگی، پوجی و سخنی است که از روی بی فکری و هرزگی گفته شود، و نیز به معنای عو عو سگ و شکستن سوگند، و سوگند بی جهت و دروغین نیز می آید.



بنابراین لغو به معنای هرگونه بیهودگی و اعمال پوج و سرگرمی های زیان بخش یا بی هدف است که باعث تباهی وقت انسان و به هر زرفتن انرژی های مثبت و بر باد رفتن عمر عزیز انسان می شود ولذا هرگونه عاملی که موجب اتلاف و به هدر رفتن فرصت ها شود، شامل می گردد.

اعراض از لغو از نظر قرآن و حدیث

در قرآن علاوه بر آیه مورد بحث، در دو مورد دیگر سخن از اعراض و دوری از لغو به میان آمده و چنین اعراضی را از ویژگی ها و خصال مومنان و حق طلبان دانسته است:

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُغَرَّضُونَ (آل المؤمنون/٣)

مومنان از کارهای بیهوده، روی گردان هستند.

و در وصف حق طلبان می فرماید:

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَغْرِضُوا عَنْهُ (القصص/٥٥)

آنها وقتی سخن لغو و بیهوده ای بشوند، از آن روی بر می گردانند.

در روایت آمده است: در عصر امام سجاد علیه السلام در مدینه دلکی بود که با کارهای بیهوده، مردم رامی خندانید و گاه اظهار می کرد که این مرد (اشاره به امام سجاد علیه السلام) مرا خسته کرده است، هر چه سعی کردم نتوانستم او را بخندانم.



کجا به دست آورده و در کجا به مصرف رسانده؛ و از حب
ما و خاندان ما.(۲)

طبق این روایات، نخستین سوال و بازخواست خدا در
قیامت از عمر، یعنی از اوقات زندگی انسان که در چه راهی
آن را از دست داده و با چه چیزی عوض کرده است؟ آیا در
راه یهودگی و باطل صرف کرده و یا در راه علم و رشد و
تقوی و کارهای مثبت؟ وقت؛ همان ساعت‌انم انسان است
که به تعبیر دانشمند معروف فخر رازی همانند یخ است که
آب می‌شود و به پایان می‌رسد^(۳). باید از یخ استفاده بهینه کرد
و آن، آب‌ها و نوشابه‌های گوارا را خنک نمود و تشگان را
سیراب کرد و از تباہ شدن غذاها جلوگیری نمود. ولی اگر یخ
رادر هوای داغ تابستان در زمین شوره زار بگذاریم، آب شده
و یا ممکن است با آن مشروبات الکلی را که مایه تخریب
عقل و اندیشه است و پیامدهای شومی دارد، خنک نمود.
باید با نظم و برنامه ریزی و پرهیز جدی از یهودگی و امور
پوچ و بی ارزش، از همه لحظه‌ها، ثانیه‌ها و دقیقه‌ها اکثر
استفاده را نمود، جنان که امیر مومنان علیه السلام فرمود:

مهمن ساعات شبانه روزی خود را بر سه بخش تقسیم می‌کند: یک بخش آن را در راه اصلاح معаш زندگی به مصرف می‌رساند؛ بخش دوم را به استراحت و بهره‌گیری از لذت‌های حلال و اندوختن انواع مصرف می‌نماید؛ و بخش دیگر را صرف مناجات پروردگار و اصلاح بین خود و خدا (خودسازی و به سازی در ابعاد مختلف) می‌کند.^(۴)

نوشت‌ها:

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۸ و حسر هنالک المُبْطَلُون در آیه ۷۸ سوره غافر. ۲.

^{٧٩} بحار الانوار، ج ٣٦، صاحب الزمان.

^{٣٢}. فخر رازی، *التقیر الكبير*، ج ١٠، ذیل سوره عصر.

۳۹. اقتباس از نهجه البلاغه، حکمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژگی‌های بندگان خدادرفان
محمد محمدی، استخاره

محمد محمدی استهاردی

روزی همین دلچک از پشت سر امام سجاد علیه السلام حرکت کرد و عبای آن حضرت را از دوش مبارکش گرفت، امام علیه السلام به او اعتنا نکرد.

هر اهان امام به دنبال او دوییند و عبا را از دستش گرفتند و به محضر امام آوردنند.
امام سجاد علیه السلام پرسید: این شخص کیست؟
عرض کردند: دلکشی از اهالی مدنیه است که مردم را به این گونه کارها می خندانند.

امام سجاد عليه السلام فرمود: به او بگویید:

ان الله يوما يخسر فيه المبطلون (١)

خداوند را روزی است (قیامت) که بیهوده کاران در آن روز زیان می‌بینند.

وقت‌شناسی و ارزش آن

بیهوده گرایی و رویکرد به زندگی تو خالی و هیچ پوچ، آفت و بلای خانمان سوز و ویرانگری است که همچون موریانه تار و پود شخصیت انسان و ارزش‌های والای انسانی را از بین می‌برد، و نه تنها او را از رشد و تعالی باز می‌دارد و بی هویت می‌کند، بلکه موجب عقب گرد و سقوط و هلاکت انسان می‌شود.

یکی از بارزترین آثار این آفت، اتلاف وقت طلایی و سرمایه اصلی زندگی است، در نتیجه، نبرد با پدیده شوم یهوده گرایی و پرهیز از هر گونه لغو و امور باطل، باعث نگهداری وقت و بهترین نتیجه گیری از این سرمایه گران سنگ خواهد شد.

چنان که رسول خدا صلی اللہ علیہ آله و سلم فرمود: انسان در قیامت قدم از قدم بر نمی دارد مگر این که از او درباره چهار چیز سوال می شود: از عمرش که در چه راهی به پایان رسانده؛ از جوانی اش (یا جسم و نیروی بدنی اش)، که در جه موردي تناه ساخته؛ از اموالش، که از

خواب امام خمینی(ره)

همسر امام خمینی (رضوان الله تعالیٰ علیه) می گفت: حدود یک ماه و نیم قبل از عمل جراحی امام خمینی(ره) که منجر به رحلت آن بزرگمرد در ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ گردید، امام امام خمینی(ره) به من فرمود: خواب خوشی دیده ام و برای تو نقل می کنم، ولی تازنده ام راضی نیستم که آن را برای احدي نقل کنی، در خواب دیدم که فوت کرده ام و از دنیا رفته ام، حضرت علی علیه السلام تشریف آوردن و مرا غسل دادند و کفن کردند و بر جنازه ام نماز خواندند، سپس پیکرم را در میان قبر نهادند و آنگاه فرمود: «اکنون راحت هستی؟»

عرض کرد: راحت هستم، ولی در جانب راستم کلوخی وجود دارد که مرا ناراحت می کند.

حضرت علی علیه السلام آن کلوخ را برداشته و دست مرحمت بر همان قسمت از بدن من که ناراحت بود کشید و آنگاه بطور کلی ناراحتی بر طرف گردید و راحت شدم. (دانستان دوستان جلد ۵/محمد محمدی اشتهرادی)

نتیجه ترحم

یکی از صالحان روز گار رفیقی داشت از دنیا رفت، پس از مدتی او را در خواب دید، پرسید: خداوند با تو چه کرد؟ رفیق گفت: مرا در محضر الهی نگه داشتند و بشارت آمرزش به من دادند، به من از جانب خدا خطاب رسید: آیا دانستی که برای چه تو را آمرزیدم؟ گفتم: به خاطر اعمال نیکم، خطاب رسید نه.

گفتم: به خاطر اخلاصم در بندگی ؛ خطاب رسید نه.
گفتم: به خاطر فلان عمل و فلان عمل ، خطاب رسید: نه ، به هیچکی از اینها تو را نیامزیدم.
گفتم: پس به چه سبب مرآ آمرزیدید، خطاب رسید آیا به خاطر داری در کوچه های بغداد می گذشتی گریه کوچکی را دیدی که سرما او را عاجز کرده بود و او به سایه دیوار پناه می برد، پس او را گرفتی و در میان پوستین خود که در تن داشتنی جای دادی و او را از سرمانگه داری نمودی ؟
گفتم: آری ،
فرمود: چون به آن گریه ترحم نمودی ما هم بر تو ترحم کردیم.

دانستان دوستان جلد ۵/محمد محمدی اشتهرادی

مرد آن بود که ...

شیخ ابوسعید ابن ابوالخیر را گفتند: فلان کس بر روی آب می رود. گفت: سهل است بزغی (مثل وزغ لفظاً و معنا) و صعوه ای (پرنده است کوچکتر از گنجشک) نیز روی آب می رود.

گفتند: فلان کس در هوا میرد. گفت زغنه (غليواج را گويند) و مگسي نیز بر هوا میرد.
گفتند فلان کس در يك لحظه از شهری بشهری ميرود. گفت: شیطان نیز در یکنفس از مشرق به مغرب می رود.
اینچنین چیزها را بس قيمتی نیست ، مرد آن بود که: میان خلق داد و ستد کند و زن خواهد و با خلق در آمیزد، و يك لحظه از خدای خود غافل نباشد.

نفحات الانس ص ۳۰۵

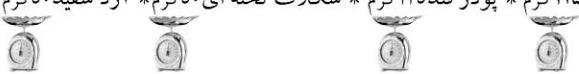
براشتوک نخودچی



براشتوک نخودچی مزه‌ای شبیه نان نخودچی دارد با این تفاوت که نیاز به پخت در فر ندارد و باید در یخچال قرار داده شود. در ادامه مطلب با مواد لازم و طرز تهیه براشتوک نخودچی آشنا می‌شوید.

مواد لازم:

آرد نخودچی ۲۵۰ گرم * روغن جامده ۱۲۵ گرم * پودر قند ۱۲۵ گرم * شکلات تخته ای ۵۰ گرم * آرد سفید ۵۰ گرم



هل و دارچین نصف قاشق چای خوری

پودر پسته برای تزیین

پودر کاکائو ۱ قاشق مرباخوری

طرز تهیه:

* مرحله ۱ - آرد نخودچی و آرد سفید را تفت دهید تا رنگ آن کمی طلایی شود سپس روغن را به آن افزوده و مرتب هم زده تا رنگ آن قهوه ای روشن شود.

* مرحله ۲ - مخلوط را از حرارت برداشته و پودر قند، هل و دارچین را بیفزایید و مرتبًا هم بزنید تا کاملاً مخلوط شود. (در صورت استفاده از پودر کاکائو در این مرحله اضافه کنید)

* مرحله ۳ - مواد را در سینی لوز ریخته و با پشت قاشق صاف کرده، سپس شکلات تخته ای را که روی حرارت غیر مستقیم آب کرده‌اید روی براشتوک ریخته و مقداری پودر پسته نیز پیاشارید.

* مرحله ۴ - قالب را در یخچال گذاشته حدود نیم ساعت یا بسته به سرماهدی یخچال بیشتر بگذارید و بعد براشتوک را به صورت لوز برش داده و دوباره در یخچال بگذارید تا کاملاً بیندد.

* مرحله ۵ - برashتوک را که قبلاً برش زده‌اید با دقیقیت از هم جدا کرده و در ظرف مورد نظر چیده و سرو نمایید.

نحوه تهیه:

۱. پودر قند را داخل مواد الک کنید.

۲. در صورتی که مایه خیلی شل بود کمی آرد نخودچی را جداگانه تفت دهید و بعد به مخلوط اضافه کنید.

۳. برashتوک در مرحله قبل از برش باید حدود نیم ساعت در یخچال باشد و بعد آن را برش داده و دوباره اجازه دهید تا کاملاً بیندد، در صورتی که در مرحله برش بیش از اندازه سفت شود باعث خرد شدن برashتوک می‌شود.

۴. به شکلات آب شده ۱ تا ۲ قاشق روغن مایع اضافه کنید تا روان تر باشد و به راحتی روی برashتوک ریخته شود.



بخش تغذیه و آشپزی تبیان

حروف روابط زن و مرد ۰۰۰

در دین مقدس اسلام ، روابط زن و مرد، دارای شرائط و

احکام مخصوصی است که هر مسلمانی باید آن را بداند و رعایت کند، در جوامع امروز بشری بخاطر بی بند و باری و عدم رعایت نکات اخلاقی لازم ، زن و مرد، بدون در نظر گرفتن مسائل اخلاقی ، باهم ارتباط برقرار می کنند، و دچار دهها مفسدۀ اجتماعی شده و خود و اجتماع را به هلاکت می کشانند.

اسلام روابط زن و مرد را بسیار حساس و دقیق معرفی می کند، و جوامع بشری را از ارتباط نا سالم میان زن و مرد بر حذر می دارد. غریزه جنسی یعنوان یک غریزه فطری احتیاج به کنترل و تعديل دارد، و می باید از راههای مشروع به آن پاسخ داد و نیاز جنسی را تأمین نمود، و گرنه تأمین بی قید و شرط مسائل شهوی و مثل سایر غرایز، نه تنها سودمند نیست ، بلکه موجب هلاکت خواهد بود.

نفس انسان بهانه جوست.

امام صادق علیه السلام فرمود: نگاه بعد از نگاه (به حرام یا به امور بیهوده) شهوت را در دل می رویاند و همین برای هلاک صاحب آن کافی است (نگاه های بیهوده به اشیاء و افراد موجب پرآکندگی ذهن و بهانه جوئی و هوسبازی روح انسان است تا چه رسد به نگاه حرام یعنی روح بسیاری مانند اطفال تا وقتی ندیده در خواست ندارد همین که دید با سر سختی بهانه جوئی می کند.

(وسائل ج ۱۴ ص ۱۳۹)

حساسیت روابط زن و مرد

سعیده و منه دو خواهر محمد ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام پرسیدند آیا زن می تواند به برادرش سر بزند و از او عیادت کند، حضرت فرمود آری. یکی از آنها گفت: خواهرم نزد برادرانش می رود، حضرت فرمود: وقتی پیش بودارت می روی لباس رنگارنگ نپوش. (وسائل ج ۱۴ ص ۱۷ و ۱۵۲)

مؤلف گوید: اندیشمندان و صاحبان فکر و هوش ، خوب می فهمند که امام صادق علیه السلام وقتی لباس رنگارنگ را هنگام دیدار برادر برای زن نمی پسندد، روابط زن و مرد را چقدر حساس می داند با این حساب ، اختلاط زن و مرد و دختر و پسر نامحرم با آن وضع لباس و بدن در محافل ، خدا می داند زمینه ساز چه مفاسدی خواهد بود.

بانوان در حجاب خود دقت کنند

ام سلمه یکی از همسران پیامبر (ص) است گوید: من با یکی دیگر از همسران حضرت به نام میمونه نزد پیامبر بودیم که نایبناشی به نام این مكتوم وارد شد، حضرت فرمود: خود را بپوشید (پنهان شوید) گفتم ای پیامبر خدا مگر او نایبنا نیست؟ حضرت فرمود: آیا شما هم نایبنا نیستید؟ آیا شما نمی بینید؟

حضرت فاطمه سلام الله علیها به یکی از بانوان به نام اسماء فرمود من خجالت می کشم از اینکه چون زنی از دنیا رفت او را روی تخته قرار می دهند و بر روی او پارچه می کشنند و بینند گان می توانند حجم بدن او را باز گو کنند، اسماء گفت: ای دختر پیامبر، من در کشور حبشه چیزی دیده ام که به شما نشان می دهم. سپس مقداری از چوب نازک و مرتقب فراهم کرده، به صورت تابوت در آورد، و روی آن پارچه ای انداخت، همین که حضرت فاطمه علیها السلام این تابوت را دید لبخندی زد و فرمود: چه نیکو است این تابوت که مرد از زن شناخته نمی شود.



آری خواهر عزیز، این است بانوی نمونه اسلام که در عزت و عظمت جای رقابت برای کمتر کسی بازگذارده است او چنان به حجاب اهمیت می دهد که حتی راضی نیست حجم بدن زن را هنگام مرگ، نامحرم ببیند، و چقدر فاصله است بین دختر پیامبر و بعضی از بانوان مسلمان که بی حجابی یا بدحجابی و معاشرت با اجانب را برابر خود ارزش می دانند.

اثر چشم پوشی

غضوا بصارِ کم ترون العجائب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چشمهای خویش را بر هم نهید تا عجائب را ببینید (تا دیده ما متوجه امور مادی است دل هم از دیدن معنویات غافل است، همینکه دیده بسته شد دل از سرگرمی دنیا جدا شده به کلمات نظر می کند). (بحار ج ۱۰۱ ص ۴۱)

نگاه دوم ممنوع

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: لکم اول نظرة الى المرأة فلا تتبعوها نظرة اخرى و اخذروا الفتنه

نگاه اول که به نامحرم افتاد مال شما، دنبال آن دیگر نگاه کنید و بترسید از هلاکت. (وسائل ج ۱۴ ص ۱۴۱ و ۱۳۹)

زن و مرد هر دو باید عفت چشم داشته باشد

امام صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام روایت کند که فرمودند: من ملاعینیه من حرام ملا الله عینیه یوم القیامه من النار الا ان یتوب و یرجع.

هر که چشمان خویش را از حرام پر کند مگر اینکه توبه کند و چشم او را در قیامت از آتش پر کند و خداوند دو بروگرد. (وسائل ج ۱۴ ص ۱۴۲ و ۱۷۳)

بانوان خودنمایی نکنند

امام صادق علیه السلام فرمود: لا یبغی للمرأة تجمراً ثوبها اذا خرجت من بيتها

برای زن سزاوار نیست وقتی از خانه خارج می شود لباسش را خوشبو کند. (وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۵)



۱۳

چهار چیز دل مرد گی می آورد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز دل را می میراند، گناه روی گناه، با زنها زیاد مناقشه کردن یعنی سخن گفتن (منظور یا زنهای نامحرم است و یا بطور کلی زیاد با زنها بگو مگو کردن مخصوصاً اگر نامحرم باشند) و بگو مگو با افراد احمق که او بگوید و تو بگوئی و به خیری بر نگردد و چهارم همنشینی با مرد ها! سوال شد: همنشینی با مرد ها یعنی چه؟ حضرت فرمود: هر ثروتمند خوشگذارن.

(وسائل ج ۱۴ ص ۱۴۹ و ۱۷۲)

اخلاق در خانواده و تربیت فرزند
سید محمد نجفی بزدی

غمزه دوست

جز کوی توای دست ندار جانی «سرمیت بخاک دست سودنی
بره میکده و بکده و محب یو» مجده آدم که تو شاید نظری بانی
مشکل نشاند رسیحیش غمزه تکره زمشکل بچانی
این همه مومن صوفی دریش نو جبله ای تامن مارازم زنی
نمیزیت کسی عذیتی است «پیغم و یچ که دینچ نظر فرامانی
پی بکشند اهل حال طرب نشینم طرب اشاد بزم آرایی
عاف و کل آن پوشینم بذ نایک غمزه اقطعه شوردنی
شاد بینی» خواهی سلطان

حرفی بگوی و از لب خود کام ده مرا
ساقی ! ز پا فتاده شدم ، جام ده مرا

فرسوده ، دل ز مشغله جسم و جان ، بیا
بستان ز خود ، فراغت ایام ده مرا

رزق مرا ، حواله به نامحوم مکن
از دست خویش ، باده گلفام ده مرا

بوی گلی ، مشام مرا تازه می کند
ای گلعدار ! بوسه به پیغام ده مرا

عمرم رفت و حسرت مستی زدل نرفت
عمری دگر ز معجزه جام ده مرا

ای عشق ! شعله بر دل پُر آرزو بزن
جندي رهایی از هوس فام ده مرا

جانم بگیر و جام می از دست من مگیر
ای مدعی هر آنچه دهی ، نام ده مرا

مرغ دلم به یاد رفیقان به خون تپید
یا رب ! امید رستن از این دام ده مرا

بشکفت غنچه‌ی دلم ای باد نوبهار
خندان دلی بسان (امین) وام ده مرا

سید علی خامنه‌ای

کربلا را دل تنگم...

هنوز شوق تو بارانی از غزل دارد
نسیم یک سبد آینه در بغل دارد
نوشا به حال فیالی که در هر ماهه
و هر په ظاهره دارد از آن مطلع دارد
به یاد پایی شیرین کربلایی ها
لیم حلوات "طلی من العسل" دارد
په ساقفار قشنگی شکسته است ندا
دون قالب شش کوشه یک غزل دارد
بگو په شد که من اینقدر دوست دارم؟
غلامتان به من آموخت در میانه ی ثنوون
که وسیاهی ما نیز راه مل دارد
یاعلی مدر

سید حسیدرضا برقی



طوع هی کند آن آفتاب پنهانی
زمت هشتر جغرافی عرفانی
دوباره پلک دلم هی پرد نشانه چیست؟
شندیده ام که هی آید کسی به مهمانی
کسی که سبز تراست لز هزاربار بهار
کسی شگفت، کسی آنچنان که هی دانی
کسی که نقطه آغاز هرچه پرواز است
توبی که در سفر عشق خط پایانی
توبی بهانه آن ابرها که هی گریند
بیا که صاف شود این هولی بارانی
تو از حوالی اقلیم هر کجا آباد
بیا که هی رود این شهر رو به ویرانی
کنار نام تو لکر گرفت کشتی عشق
بیا که یاد تو آرامش سست توفانی
قیصر امین پور

نیستان تا نیستان آتشی در ناله ها پیداست
عطش می بارد از چشمم، تکاهم خیره بر صحراست
من و این سوز تهایی، من و درد شکیبایی
تو اینجا با منی اما تناهی سخت ناینی است
دورا می جوییم از هرجا، دورا می بوییم از هر باخ
دلم در آتش سوزان، تکاهم سیل خون پالاست
 جدا افتاده ام از تو نمی بایم نشان، اما
دلم پیوسته می گویید که آن آینه در اینجاست
زمان سرگشته می گردد، زمین بروخویش می لردد
صدرا در سکوه می پیچد، ز توفانی که ناپید است
کسی آن سوی این آبی، همیا کرده اسبش را
که می بینم رداش را، ز پشت ابرها پیداست
کسی می آید از آن دورها، عین یقین است این
زمین را وارث آخر، زمان را حجت تنهاست
حسین اسرافیلی

عمده ترین دلیل لزوم ذکر خدا نیاز فطری خود انسان است . انسان از آغاز زندگی خود را برتر از این جهان ماده می بیند و در رای حقایق نسبی و اعتباری ، حقیقت مطلقی را می جوید که هستی و زیبایی مطلق باشد تا دل به او بیندد . در این میان تنها خدا است که از هر عیب و نقص میرا و شایسته ستایش و پرستش است . از این رو همه انسان ها با گرایشی از درون خویش ، او را می طلبند و حتی آنان که به ظاهر به غیر خدا دل بسته اند در تعیین مصدقابه خطا رفته اند و گرنه در حقیقت او را می جویند .

سرچشمه این احساس نیاز ، علاقه انسان به از بین بردن نق **۷** ها و پر کردن خلاهای وجود خویش است . تنها در پناه خداوند است که انسان خود را نورانی می بیند و خلاهای وجود خویش را فراموش می کند ، و ذکر خدا بهترین راه ایجاد ارتباط با آن منبع فیاض و لایزال و دریای لطف و رحمت است .

بدین ترتیب ، عمده ترین انگیزه انسان برای روی آوردن به ذکر الهی و توجه به خداوند ، نیازهای مختلف مادی و معنوی و دینی و اخروی ، و در یک کلام ، ضعف و نقص وجودی او است . بر همین اساس ، مراتب و انواع مختلفی برای ذکر تحقق می یابد . انسان ها به دلیل تفاوت مراتب معرفت و شناختشان نسبت به خدا و اسماء و صفات الهی و نیز به حسب نیازها و انگیزه هایی که برای ذکر خداوند دارند ، اذکارشان چه از نظر مفهوم و چه از نظر مرتبه و سطح متفاوت می شود . مثلا کسی که در تامین غذای خود مشکل دارد ، گرسنگی و نیاز به غذا او را متوجه صفت رازقیت خداوند می کند و او خداوند را با اسم یا رازق می خواند . چنین کسی حتی اگر در آن لحظه یا الله نیز بگوید ، در واقع صفت رازقیت خداوند را در نظر گرفته است ؟ چون او ابتدا صفت رازقیت خداوند را تصور کرده و همان صفت انگیزه توجه به خداوند شده است .

نیازمندی های مادی (از قبیل نیاز به خوردن و آشامیدن ، لباس و نیاز به انس یافتن با دیگران) غریزی و فطری اند و نوع انسان ها بسیار تحت تأثیر آنها هستند . شیوه این نیازها - و البته با اختلاف اساسی و ماهوی نسبت به مشابه های دنیایی خود - در آخرت نیز وجود دارند . به همین دلیل ، خداوند متعال برای ترغیب انسان های متعارف به بهشت و جهان آخرت ، در موارد بسیاری به آن دسته از نعمت های اخروی اشاره می کند که هم نام نعمت های دنیوی هستند . در این جانمone هایی از این آیات را با هم مرور می کنیم .

**إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الظَّدِينَ آمَّنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْنَّبُهُ مِنْ تَحْمِلَهَا الْآتَهَارُ يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَثُؤْلُوْنَ وَلِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيبُونَ (الحج ۲۳) خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند ، در باغهایی از بهشت وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است ؛ آنان با دستبندهای از طلا و مروارید زینت می شوند ؛ و در آنجا لباسهایشان از حریر است .
وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل عمران ۲۵) و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است ، و جاودانه در آن خواهد بود .
إِنَّ الْأَبْرَارَ لَنَفِي تَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكَ يُنْظَرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ تَصْرِهَ النَّعِيمِ (المطففين ۲۲/۲۴) مسلمانان در انواع نعمت اند : بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می نگرند ! به راستی نیکوکاران در نعیم الهی خواهد بود .**

یکی از عالی ترین لذت ها در دنیا این است که عاشق با معشوقش خلوت کند و رو به روی او بشیند و با او سخن بگوید .

این لذت در آخرت نیز برای بندگان صالح خدا عینیت می یابد ، از این رو خداوند می فرماید .
فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ طَافُ عَلَيْهِمْ بِتَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ *بِيَضَّاءِ لَذَّةِ الشَّارِبِينَ (الصفات ۴۳/۴۴/۴۵)

در باغهای پر نعمت یهشت؛ در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگر تکیه زده‌اند، یو گردآگرداشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می‌گردانند؛ شرابی سفید و درخشندۀ، و لذتبخش برای نوشندگان؛ (باده ای) سخت سپید که نوشندگان را لدت (عالی) می‌بخشد.

هم چنان که گفتیم ، مرتبه ذکر کسانی که بیم و امید نسبت به عذاب ها و نعمت های آخرت آنها را به ذکر خداوند و امنی دارد بالاتر و فراتر از مرتبه ذکری است که بر پایه انگیزه ها و نیازمندیهای دنیابی شکل گرفته است .
اما در این میان ، عالی ترین و خالصانه ترین مرتبه ذکر که عقل ما از درک و تصور آن عاجز است ، ذکری است که بر پایه نیازمندیهای مادی و اخروی و حب نفس استوار نگردیده ؛ بلکه بر پایه ایمانی خالص و اعتقادی راسخ به خداوند و محبت اتم الهی و انس با حضرت حق سامان یافته است .

ایمان صحیح و استوار و اعتقاد راسخ و راستین به خدا، مستلزم ذکر خالصه و دائمی ذات اقدس الهی است. اگر کسی واقعاً خداوند را شناخت و به او ایمان آورد، جز خدا، هیچ چیز و هیچ کس دیگر را قابل ذکر نخواهد یافت و جز شوق انس با او چیز دیگری انگیزه ذکر اونمی شود. بدینه است وقتی که خدا در دل کسی تجلی نماید، آن دل جایی برای تجلی غیر خدایی نخواهد داشت. چنین کسانی از روی محبت شدید به خداوند او را یاد می کنند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُ حِبًا لِلَّهِ (البقرة/١٦٥)

کسانی که ایمان آورده اند در دوستی خدا سخت ترند.
گاه انسان برای منافع شخصی به یاد دوستش می‌افتد،
اما گاه فقط رشته مودت و محبت، او را به یاد محبوب
می‌اندازد و باعث می‌شود شب و روز به یاد او بوده و
عقربه دلش همواره سوی او متوجه باشد.

آنچه باشد توجه بندگان خالص خدا به معبد نمود
می شود و آنرا را نیایی دیدار میبیناند می سازد
نمیست از است نه مذکوت طالبی های نیایی و اخروی.

آنها حتی وقتی نام محبوشان برده می شود چنان وجدی
می یابند که سر از پانمی نشاستند.

در همین زمینه روایتی درباره حضرت ابراهیم علیه السلام
نقل شده است.

می دانیم که به سبب محبت وافری که آن حضرت به خداوند داشت ملقب به خلیل الله: دوست خدا گردید. نقل شده که فرشتگان می خواستند درجه محبت حضرت ابراهیم به خداوند را بشناسند. وقتی آن حضرت گله گوسفند خود را در بیابان می چراند، جبرئیل بین آسمان و زمین ندای سبوح قدوس سرداد. با شنیدن آن ندا، حضرت ابراهیم علیه السلام به هیجان و جد آمد و گفت تو کیستی که نام محبوب مرا برده؟ اگر یک بار دیگر نام او را ببری نصف گوسفندانم را به تو می بخشم . با دیگر جبرئیل گفت: سبوح قدوس حضرت ابراهیم علیه السلام بیشتر به وجه آمد و گفت: اگر یک بار دیگر نام محبوب را ببری

آری، کسانی چنان در عشق معمود خود ذوب می شوند که در سویادی دلشان جز رخ یار نقش نمی بند و حاضرند در راه محبت و عشق محبوب خویش، همه دارایی و بلکه هستی خود را بیخشند. برای آنان عالی ترین لذت در یاد خداوند نهفته است و اگر پیوسته به ذکر او مشغول گردند، نه فقط احساس رنج و خستگی نمی کنند، بلکه با یاد

حذاوین سطاخ و قدرت و تحر ک می یابند:
 الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَمَعْوَدًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ
 فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بِأَطْلَالٍ
 عَمَرَان١٩١) همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه
 که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می کنند؛ و در اسرار آفرینش
 آسمانها و زمین می اندیشنند؛ (و می گویند: بار الها! اینها را
 بیهو دنیافریده‌ای!.

باد او آیت اللہ محمد تقیٰ مصباح یزدی



نواہِ دنیوی صلوٰات

فایدہ اول: صلوٰات فرستادن فقر را برو طرف می کند.

فایدہ دوم: با صدای بلند صلوٰات فرستادن نفاق را برو طرف می سازد.

فایدہ سوم: صلوٰات فرستادن موجب پاکیزہ شدن عمل ہاست.

فایدہ چہارم: در اصول کافی است که، رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

فرمودند: در مقابل صد صلوٰات حق تعالیٰ صد حاجت را برا آورده می نماید.

فایدہ پنجم: هر کس یک صلوٰات بفرستد حق تعالیٰ در عافیت را برو او می گشاید.

فایدہ ششم: هر گاه چیزی از یاد انسان برود و آدمی آن را فراموش کند صلوٰات موجب می شود که به خاطر آید.

فایدہ هفتم: صلوٰات، دشمن دیرین و همیشه در کمین انسان

یعنی ابلیس لعین را ذلیل و خوار می کند. خلاصہ اینکہ

صلوات آتش جہنم را خاموش می کند. آری وقتی کہ آتش

هوی و هوس و آتش سوزان نفس سرکش به واسطہ صلوٰات

بر محمد و آل محمد خاموش شد و ظلمات نفس به نور

صلوات محو و نابود گردید آن وقت است که انسان از آتش

جهنم رهائی یافه و به حریم امن الہی داخل و یخراج کم من

الظلمات الی النور» را شامل خواهد شد و غایت امر در سایه

رحمت خاص الہی مأوا کند «او کان بالمؤمنین رحیماً». طوبی

لهم و حسن مأب؛ خوشابه حال آنان و حسن عاقبت شان».

محیثون حسنات در قیامت پھڈلیل

پیامبر (ص) فرمود: روز قیامت فردی را می آورند و او را

در پیشگاه خداوند نگه می دارند و کارنامہ اش را به او

می دهند، اما حسنات خود را در آن نمی بیند عرض می کند:

الہی! این کارنامہ من نیست! زیرا من در آن طاعات خود را

نمی بینم! به او گفته می شود: پروردگار تو نه خطا می کند و

نه فراموش. عمل تو به سبب ...

غیبت کردن از مردم بر باد رفت. سپس مرد دیگری را

می آورند و کارنامہ اش را به او می دهند. در آن طاعت

بسیاری را مشاهده می کند. عرض می کند: الہی! این کارنامہ

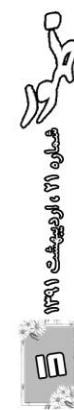
من نیست! زیرا من این طاعات را بجا نیاورده ام!

گفته می شود: فلاٹی از تو غیبت کرد، حسنات او به تو داده

شد. (جامع الاخبار، ص ۴۱۲)

شیوه دعا نمودن

شخصی از امام صادق علیه السلام سوال کرد که با توجه به آیه شریفه «اَذْهُنُنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر/۶۰) مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را؛ ما خدا را می خوانیم ولی دعای ما را به استجابت نمی رساند امام فرمودند: آیا به گمان تو خدا خلف و عده می کند؟ عرض کرد نه! فرمود: پس چرا دعای شما مستجاب نمی شود؟ گفتم: نمی دانم: حضرت فرمود: ولی من راز آن را به تو می گویم «هوکم خدا را در آنچه فرمان داده اطاعت کند دسیس خدا را از جهت دعا بخواند که دارای شیوه مخصوصی است دعایش مستجاب می شود» گفتم منظورتان از شیوه دعا چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: نخست خدا را حمد و ستایش می کنی سپس نعمت های که به تو داده است را بر زبان جاری می کنی و آنگاه شکر گذاری می نمایی و بعد بر محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم صلوٰات می فرستی و سپس گناهان خود را به یاد می آوری و به انجام آن ها اقرار می کنی و از آنها به خدا پناه می بری. و سپس دعا می کنی این است جهت دعا (اصول کافی ج ۲، ص ۲۸۶).



آثار ارتباط‌های نامشروع

می‌دانیم آمار ازدواج (مخصوصاً در سال‌های اخیر) به میزان قابل توجهی کاهش یافته و بعکس سن ازدواج، به خصوص در شهرهای بزرگ و ناقاطی که به تمدن نزدیک تر است، بالا رفته تا آن جا که ازدواج در سنینی صورت می‌گیرد که «شور» و «طراوت» جوانی تقریباً از میان رفته، و بهترین فرصت طبیعی ازدواج پیشان یافته است.

زندگی اجتماعی امروز در بسیاری از قسمت‌ها از صورت یک زندگی طبیعی و صحیح بیرون رفته، که یک نمونه آن کاهش شدید ازدواج، و روی آوردن جوانان به زندگی غیر طبیعی «تجرد» است.

این مسئله یعنی کاهش ازدواج و توسعه تجرد، قطع نظر از اثربودن بشر دارد، از نظر ایجاد یک نوع سیستم زندگی بدون احساس مسئولیت و قطع پیوندهای اجتماعی، و بی تفاوتی در برابر رویدادهای اجتماعی که از آثار قطعی زندگی افراد مجرد است. یک فاجعه بزرگ برای جوامع بشری محسوب می‌گردد. و اگر انحرافات اخلاقی را که از این رهگذر دامنگیر بسیاری از افراد مجرد می‌شود به آن بیفزاییم اهمیت این مشکل اجتماعی روشن تر خواهد شد.

بدون تردید این وضع نابسامان معلول یک یا دو علت نیست ولی مسلماً در میان عوامل اصلی چند عامل بیش از همه جلب توجه می‌کند که یکی از آنها مسئله «توسعه ارتباط‌های نامشروع» است.

زیرا از یک طرف بر اثر سهولت این ارتباط‌ها، «زن» در نظر بسیاری از جوانان به صورت یک موجود مبتذل و کم ارزش، و حتی احياناً «رایگان»! درآمده است که به آسانی می‌توان به او دست یافت. و به این ترتیب آن ارزش و اهمیت و شخصیتی را که در سابق در اجتماع داشت که برای وصول به او فداکاری زیادی لازم بود به کلی از دست داده، و دیگر یک موجود گرانبها و رفیایی که نظر جوانان را به خود جلب کند نیست!

برهنگی روزافزون زنان، در دنیای امروز به این ابتدال کمک کرده، و اگر در آغاز عامل زودگذری برای جلب توجه نظر هوسبازان باشد، سرانجام به ابتدال و لازم‌آور افتادن زن منتهی می‌گردد، و این درست عکس آن چیز است که این گونه زنان انتظار آن را داشتند!

به همین دلیل آن عشق‌های پاک و مقدس و آتشینی که در گذشته به وجود می‌آمد، و سرآغاز یک پیوند زناشویی محکم می‌شد. در اجتماعات امروزی اثربودن نیست زیرا همیشه انسان نسبت به چیزی عشق آتشین پیدامی کند که به آسانی در دسترس او قرار نگیرد، و معنا ندارد نسبت به یک موضوع مبتذل، و ارزان و رایگان عشق بورزد، آن هم یک عشق آتشین!

از طرف دیگر بسیاری از افراد بی‌بند و بار حساب می‌کنند چه دلیلی دارد که تنها برای دسترسی به یک زن زیر بارهزار گونه «شرايط» و «مسئولیت‌ها» ازدواج بروند، در حالی که بدون قبول هیچ یک از این شرايط و مسئولیت‌ها دسترسی به افراد زیادی می‌توانند پیدا کنند؟ ولذا این افراد چون به عواقب شوم بی‌بند و باری جنسی و اخلاقی آشنا نیستند و تنها به ازدواج، وزن از نظر اشبع غریزه جنسی می‌نگرند، اصولاً تن به ازدواج و آن همه شرايط و مسئولیت‌ها را یک کار احتمانه می‌دانند! ولذا همه یا قسمت عمده زندگی خود را به حال تجرد می‌گذرانند.

جوامع غربی که آزادی‌های جنسی و بی‌بندی‌باری بیشتر است ازدواج کاهش بیشتری پیدا کرده، و اگر ازدواجی صورت می‌گیرد در سنین بالاست، و تازه این ازدواج‌ها هم به قدری سست و بی‌دوام است که غالباً به بهانه‌های کوچک و گاهی مضحك از هم گستته می‌شود اعلاوه بر آن همیشه در کنار این گونه جوامع که زندگی تجرد را ترجیح بر زندگی مشترک زناشویی داده‌اند دمل‌های چرکین متعفنی به نام «مراکز فحشا» و «شهر نو» ها وجود دارد که خود نیز یک عامل مهم برای کاهش ازدواج، و همچنین از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌باشد.



در یک گوشه متروک اجتماع جان می سپارند و حتی گاهی کسی که جسد آنها را از زمین بردارد و به خاک بسپارد پیدا نمی شود.

کدام وجدان اجازه می دهد در عصری که در آن ادعای الغای بردگی می شود چنین بردگان بینوایی در کنار اجتماع وجود داشته باشند و هیچ کس در راه آزادی آنها قدم بر ندارد؟!

ولی نباید فراموش کرد که این بردگی رقت بار را که بدبهختانه بسیاری از جوامع امروزی عملاً به رسیت شناخته اند و صحنه پای آن گذارده اند مولود همان سهولت ارتباط های نامشروع است.

زیرا زنانی که در این لجنزارهای متعفن اجتماع دست و پا می زند غالباً همان قربانیان ارتباط های نامشروعند که تدریجاً به این مراکز کشیده شده اند. شرح حال بعضی از این زنان که در پاره ای از کتاب ها آمده بدون شک غم انگیزترین تراژدی ها را تشکیل می دهد، و لکه ننگی بر پیشانی جوامع امروز محسوب می گردد، و متأسفانه کمتر روی آن بحث می شود.

کسانی که این وضع و این مراکز را به عنوان یک ضرورت اجتماعی معرفی می کنند، و به این وسیله می خواهند از قبح و زشتی فحشا و رفت و آمد به این مراکز بکاهند، بلکه پاراز این فراتر نهاده، این عمل ناروارا و سیله ای برای حفظ پاکی خانواده ها!! و سلامت جوانان!! بنامند سخت در اشتباہند.

آیا وجود یک لجنزار متعفن که عامل گسترش انواع فساد اخلاق و احیاناً بیماری های جسمی می شود و به همین دلیل غالباً آن را از اجتماعات جدا می کنند و با دیوارهای بلندی به دور این زندانیان سیه روز و طرد شده، به گمان خود از سرایت این فساد به داخل خانواده ها جلوگیری می نمایند، آیا وجود چنین لجنزاری یک ضرورت اجتماعی و رفت و آمد در آن وسیله سلامت است؟

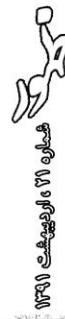


این کانون های چرکین که الزاماً در کنار جوامع ناسالم کنونی است دلیل روشنی بر عدم سلامت مزاج این اجتماعات است.

مسئله فحشا و مراکز بدنام را نباید تنها از نظر این که کانونی برای توسعه فساد اخلاق، و نشر انواع میکروب های جسمی و روانی است مورد مطالعه قرار داد. همچنین نباید فقط از نظر اثری که روی کاهش ازدواج و روی آوردن به زندگی تجردی دارد مورد بحث قرار گیرد، اگر چه هر یک از اینها خود قابل بحث و مطالعه فراوان است.

بلکه علاوه بر این از نظر خود زنان بد کار که در این مراکز جمع می شوند و به خودفروشی می پردازند کاملاً قابل دقت و اهمیت است. کسانی که در این زمینه مطالعات دقیقی دارند، و کتاب هایی به دنبال تحقیقات وسیع خود در این باره نوشته اند همگی معتبرند که وضع این دسته زنان خودفروش در دندهای ترین و فجع ترین انواع بردگی قرون وسطی را در نظر مجسم می سازد.

زنای مطروح، درمانده و بینوا به معنای واقعی، که همیشه از فرق تا قلم در قرض و بدھکاری غرنده، و شب و روز چون شمع می سوزند تا روشنگر مجالس هوس و لذت حیوانی این و آن باشند و عاقبت هم به بدترین وضعی



دفایخ

آیاروز و یا زمان را از نظر عقل و یا شرع می شود نسبت
شومی و بدقدمی و منحوسی داد؟ یا آنکه تصوری است
باطل و خیالی است موهم؟!
بسیار روشن است که از نظر عقل، برهان و دلیل قاطع
نداریم بگوئیم که قطعات زمان با هم فرق دارند یک قطعه
از آن منحوس و شوم و قطعه دیگر کش نیک و خوش و با
برکت است.

زیرا طبیعت زمان از نظر اجزاء متشابه است و اسباب و
علل و عواملی که در حدوث حوادث و تکون اعمال
دخالت دارند و با رنگ آن عوامل، قطعات زمان رنگ
خوشی و زشتی و نیک و بد به خود میگیرند به مامخفی
است و بنابراین امکان دعوای نحوست و سعادت وجود
ندارد.

اما از نظر شرع در قرآن می فرماید: «إِنَّ أُرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا
صَرْصَارًا فِي يَوْمٍ نَحْسٌ مُسْتَبِرٌ» ما تنباد و حشتناک و سردی را
در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم... (القمر/۱۹)
و یا «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَارًا فِي أَيَامٍ نَحْسٍ» سرانجام
تنبدادی شدید و هولانگیز و سرد و سخت در روزهایی
شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم (فصلت/۱۶)

این آیات راجع به نحوست روزها تصریح نموده ولکن
از سیاق قصه که درباره قوم عاد است و از دلالت هر دو آیه
هم، بیش از این استفاده نمی شود استنباط می گردد که
نحوست و شومی مخصوص به آن هفت شب و هشت
روزانست؛ آنجا که می فرماید «وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ
عَانِيَةٍ سَحْرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَانِيَةٍ أَيَامٍ حُسُومَةٍ» (الحاقة/۷) و اما
قوم «عاد» با تنبدادی طغیانگر و سرد و پرسیدا به هلاکت
رسیدند، قوم عاد بوسیله باد سخت هلاک شدند که هفت
شب و هشت روز به آنها مسلط گردید، نحوست این هفت
شب و هشت روز نسبت به روزهای دیگر و هفته‌های آخر
تعمیم ندارد والا کلیه زمان باید شوم و نحس باشد.

و اما روایاتی که درباره نحوست ایام وارد شده به سه طریق
قابل توجیه است:

۱. قابل بر تقویه شویم زیرا تقال و تطییر و تشام بر زمانها و مکانها
او اوضاع و احوال از خصائص عامه و اهل سنت است ائمه در
این خصوص هر چه مطابق عامه گفته‌اند جهت عدم مخالفت
ظاهری و حفظ قانون تقویه و مماشات با آنان بوده است.
۲. نحوست و سعادت بر حسب حوادث ناگوار و شوم و یا
نزول رحمت و برکت از قبیل بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و
نزول بارانهای مفید یا نصیب فتوحات اسلامی یا ولادت‌های
افراد و اشخاص پاک بطوری که در برخی از روایات
صراحت براین معنا دارد.

۳. بگوئیم نحوست و سعادت از مجموعات نفس انسان است
و یکنوع فعل و انفعالات روحی و روانی است و نفس انسانی
باتخلات مدام در مغز خود، شومی و سخنی را بوجود
می‌آورد و اشخاصی که عقیده براین مفاهیم ندارند و حوادث
را یک امر طبیعی و خاصیت فطرت و ناموس طبیعت میدانند
از صدمات روانی این قبیل موهومات برای همیشه راحت و
آسوده‌اند.

برخی از اخبار و روایات در تأیید توجیه سوم صراحت
دارند. ثقة‌الاسلام کلینی از عمر وین حریث نقل کرده که امام
صادق علیه السلام فرمود: «الطیرة على ما تجعلها، ان هوتها
تهونت، و ان شدتها تشدت، و ان لم تجعلها شيئاً لم تكن
شيئاً» (تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۸۷) فال بد، در هر کس از نظر تأثیر، در
آن حدود است که تو آن را در نفس خود پرورش داده‌ای.
اگر بوزن و سهله گرفته‌ای تأثیرش قوی خواهد شد و اگر موهوم و ناچیز
شدید گرفته‌ای تأثیرش بی اثر خواهد شد». و قریب به این مضمون
است روایت سکونی از امام صادق علیه السلام و او از رسول
اکرم (ص): کفاره الطیرة التوكيل (تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۸۷)
کفاره فال بد، توکل به خداوند است، یعنی با ارجاع امر سسوی
خدا اثری در آن فال بد باقی نمی ماند تا اثر گذارد.

زمان تأثیر توبه



مطابق فرمایش آیات کریمه قرآن توبه زمان خاصی دارد که اگر آن زمان بگذرد، پذیرفته نخواهد شد.
اگرچه طبق روایات فراوانی، در توبه آن قدر وسیع است که انسان های آلوده، مجرم و گنه کار می توانند وارد آن بشوند ولی همین در وسیع در سه نوبت بسته می شود:

توبه در زمان نزول بلا

انسانی که گرفتار چنگال بلا شده است، اگر در آن حال توبه کن، چنین توبه ای بی اثر است.

از این رو، خداوند در آیه ۶۵ سوره عنکبوت می فرماید:

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفَلَكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ أَلَى
النَّبَرَ إِذَا هُمْ يُشَرِّكُونَ»

این مشرکان و بت پرستان، هنگامی که پر کشی سوار می شود و در امواج خروشان آن گرفتار گشته، و اسیر گرداب های خطرناک می گردند از روی اخلاص خدا را می خواهند ولی نه این دعا ارزش دارد و نه آن اخلاص سودی خواهد داشت و این توبه مؤثر نخواهد افتاد زیرا این توبه اضطراری و به نوعی اچجاری است؛ مانند شخصی که زیر ضربه های تازیانه استغفار و توبه کنده همان گونه که چنین استغفار و توبه ای پذیرفته نیسته چنان توبه و دعایی نیز پذیرفته نخواهد شد.

همین مشرکان - که به هنگام بلا توبه می کنند و خدای واحد را می خوانند - وقتی طوفان حوادث فرو می نشیند و به خشکی بر می گردند، خدای واحد را فراموش می کنند و دوباره به بت پرستی و شرک روی می آورند.

بنابراین، چنین توبه ای پذیرفته نمی شود زیرا توبه آن است که با آن مسیر زندگی انسان عوض شود، در حالی که چنین توبه ای مسیر زندگانی مشرکان را تغییر نمی دهد.

توبه ای که در پشت میله های زندان انجام شود و پس از آزادی فراموش شود، یا در بستر بیماری صورت گیرد و پس از بهبود و سلامت به نسیان سپرده شود، یا در گرداب حوادث انجام شود و پس از فروکش کردن آن شکسته شود، این گونه توبه ها پذیرفته نیست زیرا این گونه توبه ها عکس العمل های موقت است که بر اثر شلاق های حوادث الهی پدید می آید.



توبه به هنگام مشاهده عذاب الهی

بسیاری از مردم با مشاهده عذاب الهی، توبه می کنند چنین توبه‌ای نیز بی اثر است. خداوند متعال در این رابطه در آیات ۸۴

و ۸۵ سوره مؤمن (غافر) می فرماید:

«فَلَمَّا أَرَأَوْا بَاسَنَا قَائِلُوا أَمَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرُنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمَّا يَكُنْ يَنْقَهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَاسَنَا سُنْتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَنَاكَ الْكَافِرُونَ»

هنگامی که عذاب شدید ما را دیدند، گفتند: "هم اکنون به خداوند یگانه، ایمان آوردیم و به معبدهایی که همتای او می شمردیم کافر شدیم." اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت. این سنت خداوند است که همواره در میان بندگانش اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند.

توبه به هنگام دیدن عذاب اثری ندارد. توبه قوم حضرت نوح عليه السلام به هنگام طوفان، توبه قوم حضرت لوٹ عليه السلام به هنگام بارش سنگ های آسمانی و عذاب های دیگر پذیرفته نشد.

آنچه از آیات فوق برمی آید، این است که عدم پذیرش توبه با شرایط مذکور اختصاصی به یک قوم و ملت ندارد، بلکه آن، یک سنت الهی است که در مورد همه اقوام و ملتها جاری می شود.

مثالهای زیبای قرآن جلد ۲
آیه الله ناصر حکم شیرازی

توبه گنه کاران در هنگام مرگ

وقتی سبلی اجل به گوش انسان نواخته و چشم برزخی او باز شد و یقین به مرگ و وداع با دنیا ایجاد شد، دیگر توبه انسان پذیرفته نخواهد شد چه این که خداوند متعال در آیه ۱۸ سوره نساء می فرماید:

«وَلَيَسْتَ الْتَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتَ قَالَ أَتَىٰ ثَبَّتُ الْأَنَّ وَلَا أَلَّدِينَ يَمْوَثُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ وَلِنَكَ أَعْذَنَا لَهُمْ عَدَابًا أَلِيمًا»

"برای کسانی که کارهای بد را نجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرامی رسد، می گوید الان توبه کردم، توبه نیست و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند اینها کسانی هستند که عذاب در دنیا کی برایشان فراهم کرده ایم." از جمله این افراد، فرعون، طغیانگر بزرگ عصر حضرت موسی عليه السلام است که وقتی چنگال مرگ را دید و خود را در آستانه غرق شدن مشاهده کرد، گفت:

«آمَنَتْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَّدِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

(يونس ۹۰)

خدایا ایمان آوردم که هیچ معبدی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد، و من از مسلمانان هستم! ولی این توبه قبول نشد و طبق برخی روایات، جبرئیل مشتی از لجن های کف رودخانه نیل را بر دهانش زد (تفسیر صافی، مجلد اول، صفحه ۷۶۳) و گفت:

«الآن؟ در حالی که قبلًا عصیان کردی و از مفسدان بودی! (يونس، ۹۱)»

آیا بعد از آن همه جنایات، پاره کردن شکم های مادران، کشتن نوزادان پسر، ظلم و ستم های بی اندازه، آواره کردن بنی اسرائیل، شکنجه نمودن مؤمنان و مانند آن، سزاوار است توبه فرعون پذیرفته شود؟!

بنابراین، توبه در آستانه مرگ و هنگامی که چشم برزخی انسان باز شد، پذیرفته نمی شود.





از پروردگار خویش آمرزش بطلیبد که او بسیار آمرزنده است تا بارانهای پربر کت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، و شمارا با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باعهای سرسیز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد!»

به همه سفارش می کردند این ذکر را قرائت کنند:
استغفِر اللہ الذی لَا إلٰهَ إِلَّا هُوَ مِنْ جَمِيعِ الظُّلُمٰ وَ جَرْمٍ وَ
اسرافی علی نفی و اتوب الیه «از خداوندی که هیچ معبدی جز
او نیست، به خاطر تمامی ظلمها و گناهانم و ستمی که بر خود
رواداشته ام طلب بخشش می کنم و به سوی او باز می گردم.
آن مرحوم در هنگام اضطراب و ناراحتی های روحی،
خواندن این کلمات را سفارش می کردند:

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْحَمْدُ وَلَهُ الْكَلْمُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَّاتِ السَّيِّطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ الْ
يَحْرَصُونَ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، هیچ معبدی جز خداوند
یکتای بی شریک وجود ندارد و ستایش و حکومت
مخصوص اوست و او بر هر کاری تواناست. از وسوسه های
شیاطین به خدا پناه می برم و به تو پناه می برم - ای
پروردگارم - از اینکه نزد من حاضر شوند، همانا خداوند
شناودانست.

در صورت ترس از زیان خود را کی یا نوشیدنی به
خواندن این کلمات سفارش می نمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرُ الْإِسْمَاءِ اللَّهُ الْإِرْضُ وَ السَّمَاءُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الذِّي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌ وَ لَا دَاءٌ
به نام خداوند بخشندۀ مهریان ، بهترین نامها، معبد
زمین و آسمانها، خداوند رحمان و رحیمی که با نام او هیچ
سم و بیماری ای زیان نمی رساند.

دربای عرفان (زندگی نامه و شرح
احوال ایت الله سید علی فاضی)
هادی هاشمیان

قرآن کریم مؤمنان را به دعا که عبادتی بزرگ، بلکه روح
همه عبادتهاست دستور داده ، می فرماید: ادعونی استجب
لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ سُتْكِنُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيْدُ الْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَآخِرِينَ
«ما بخواهید تا (دعای) شما را بپذیرم؟ کسانی که از عبادت من
تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند!» (غافر ۶۰)
در روایات ، افزون بر بیان اهمیت این امر ، آثار و فوایدی
نیز برای بعضی از ذکرها و دعاها و نیز خواصی برای برخی
از آیات قرآن کریم ذکر شده است تا ممؤمنان را هر چه بیشتر
تشویق نماید و نیز به آنان بیاموزد که هیچ جنبشی و هیچ اثرب
از هیچ موجودی در جهان هستی صادر نمی شود،
مگر آنکه تحت اراده و نفوذ خداوند قادر متعال است
و مؤمن باید در هر حال ، در سختی و آسایش و فقر و ثروت
، همواره اراده او را نافذ بداند و خود را تحت سلطه آن موجود
برتر و عالی بداند.

در میان تعلیمات مرحوم آیت الله العظمی قاضی نیز به
چنین مواردی برمی خوریم که گویای احاطه بسیار
ایشان بر آیات و روایات و نیز تعبد آن حکیم فرزانه و تمسک
شدید آن عارف یگانه به رسیمان محکم قرآن و عترت
می باشد. استاد سید حسن قاضی طباطبایی ، فرزند مرحوم
قاضی ، در یادداشتی خود به نمونه هایی اشاره فرموده اند
که جا دارد بایان آنها این اوراق را مترک و نورانی سازیم:
آن مرحوم برای تقویت حافظه ، خواندن آیت الکرسی و
معوذین (دو سوره مبارکه ناس و فلاق) را سفارش می فرمودند.
برای طلب وسعت ورق این آیات را قرائت می نمودند:
استغفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَنَّاً * يَرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيَمْدُدُكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجْهِكُمْ جَهَنَّمَ وَجَعْلُكُمْ تَهَاهَرًا (نوح ۱۰/۱۱/۱)



درمان با کاسنی

از جمله گیاهانی است که به سبب تاثیر فراوان آن در درمان بیماریها بخصوص بیماریهای کبدی نزد اکثر مردم شناخته شده. به همین دلیل از این گیاه به صورت مختلف دارویی جهت درمان بیماریهای خود استفاده می‌کنند، همچنین طبق مطالعات انجام شده بر حیوانات آزمایشگاهی، مواد موثر کاسنی می‌توانند از سرطان روده جلوگیری کنند. از دیگر اثرات مفید کاسنی، حفاظت کبد در برابر سموم کبدی است و این اثر با ماده‌ای به نام تراکلر و کربن به اثبات رسیده است.

عصاره‌ی الکلی ریشه‌ی کاسنی، اثرات ضد ورم و ضد التهابی نیز دارد. از دیگر اثرات کاسنی، اشتها آوری و خاصیت ضد ترش کردن معده را می‌توان نام برد.

صرف کاسنی از زمان قدیم و حدائق از قبل میلاد مسیح مرسوم بوده است. از جمله مصارف مهم این گیاه که از قدیم نیز رواج داشته، مصرف آن به عنوان مقوی کبد و کاربرد آن در بیماری‌های کبدی بوده است. امر و زه نیز یکی از مصارف مهم آن در مشکلات کبدی است. همچنین اثراتی از جمله مقوی معده، مدر (ادرار آور)، تصفیه کننده‌ی خون، صفراب، تب بر، اشتها آور، درمان نقرس، کمک در درمان رماتیسم، دفع رسوبات ادراری و رفع کم خونی برای آن قائل می‌باشند که البته این موارد در حال تحقیق بوده و در آینده‌ای نه چندان دور موارد درمانی قطعی و جدیدی برای آنها پیش‌بینی می‌شود.

محمد حسین صالحی سورمه‌ی
دکتری تخصصی فارماکوکنولوژی
دانشکده داروسازی تهران

کاسنی گیاهی از خانواده‌ی گل مینا می‌باشد. کاسنی، گیاهی علفی است که ارتفاع آن به طور متوسط به یک متر می‌رسد؛ دارای ریشه‌های قوی و نسبتاً طویل می‌باشد. بر روی برگ‌ها، بریدگی‌های عمیقی وجود دارد که در قسمت انتهایی شبیه به مثلث می‌شوند. گل‌های آبی رنگ بسیار زیبایی دارد. عمر این گیاه با توجه به شرایط زندگی، یک ساله، دوساله یا چند ساله می‌باشد. کاسنی در نواحی نسبتاً مرطوب، با ارتفاع کم رشد می‌کند و بومی نواحی اروپا، هندوستان و مصر می‌باشد. البته گسترش آن در دنیا زیاد است و در نقاط دیگر از جمله آسیا، آفریقا و قسمت‌هایی از آمریکا هم می‌روید.

کاسنی، در نقاط مختلف ایران به طور خودرو وجود دارد. قسمت‌های مورد استفاده‌ی آن، ریشه و برگ‌های آن می‌باشد. البته ممکن است به غیر از برگ‌ها از سایر قسمت‌های هوایی گیاه نیز استفاده شود.

ترکیبات مهم:

ریشه‌ی این گیاه، حاوی حدود ۸ درصد پلی ساکاریدی به نام اینولین است. ترکیبات تلخ از جمله لاکتوسینولاکتوکوپیکرین، شیکوریک اسید، فلاونوئیدها، گلوكوزیدها، قندها و تانک‌ها از دیگر ترکیبات ریشه می‌باشند. همچنین ریشه‌ی گیاه، حاوی بسیاری ترکیبات بخار شونده‌ی معطر است که استوفون شاخص ترین آنها می‌باشد.

اثرات مهم:

ترکیبات محلول در آب کاسنی، خاصیت مسکن دارند و بعضی از قندهای موجود در آن دارای خاصیت افایش میکروب‌های مفید و کاهش باکتری‌های بیماری زادر روده می‌باشند. مطالعات جدید نشان می‌دهند که برخی ترکیبات موجود در کاسنی، در مشکلاتی از جمله یبوست، اسهال‌های میکروبی، سرطان و بیماری‌های قلبی-عروقی، می‌توانند موثر واقع گردد.



رمز پیروزی مردان بزرگ

قیصر ازدواج خواهد کرد و به پست های عالی گمارده خواهد شد. وی بازیشنهاد دادگاه را رد کرد. قیصر که خود در دادگاه حاضر بود دستور داد یکی از سربازان اسلام را در دیگ داغ بر از روغن زیتون بیندازند تا حذافه بینند که حکم دادگاه قطعی است و شوخي بردار نیست. او با دیدگان خود دید که گوشتهای سرباز از استخوانهایش جدا شده و جسدش در میان دیگ روغن بالا و پائین می رود. در این لحظه حذافه سخت گریست و آنان تصور کردند که وی از ترس به گریه افتاده است. وی فوراً رو به آنها کرد و چنین گفت:

من هرگز از این سرنوشتی که در انتظارم است گریان نیستم. من از این جهت گریه می کنم که یک جان بیش در اختیار ندارم تا آنرا فدای اسلام سازم. ای کاش به شماره موها یام جان داشتم و آن رفای عقیده خود می ساختم.

حضور از این ایمان راسخ انگشت تعجب به دنلان گرفتند و بهانه خاصی او را با هشتاد سرباز از اساختند. (اسد الغایب، ص ۱۴۳) تا چندی پیش در جهان سیاست مساله ای به نام ویتان وجود داشت. یک ملت پاره همه و مسلح به نیروی تیر و کمان، در پرتو ایمان و اعتقاد به هدف، اقتصاد و ارتض امریکا را به زانو در آورد و در حقیقت یک ویت کنگ برای آمریکا یک میلیون دلار خرج تراشید.

در سال ۱۹۶۵، امریکا ۸۰۰۰۰ تن بمب بر فراز ویتان جنوبی (مناطق تحت اختیار ویت کنگها) و ویتان شمالی ریخته است.

ولی برای تقویت اراده افسران و سربازان امریکائی لازم است هر ماه دسته ای از هنر پیشه ها با مخارج گراف برآه افتند و به زندگی تیره آنها با تشکیل مخالف و مجالس رقص صفاتی مادی بخشند.

سریازان ویتانی برای هدف مشخص می جنگد و هدف آنها خاتمه دادن به دوران استعمار و آزاد زیستن است. ولی سرباز امریکائی نمی داند برای چه می جنگد. زیرا سر زمین وی با سر زمین ویتان هزاران فرستگ فاصله دارد.

ایمان به هدف آثار فراوانی دارد. پیروزی آثار ایمان همان چاپناری و فدایکاری است و در کتاب آسمانی مسلمانان تصویحات زیادی نسبت به این موضوع شده است.

رمز پیروزی مردان بزرگ
آیه الله جعفر سبحانی

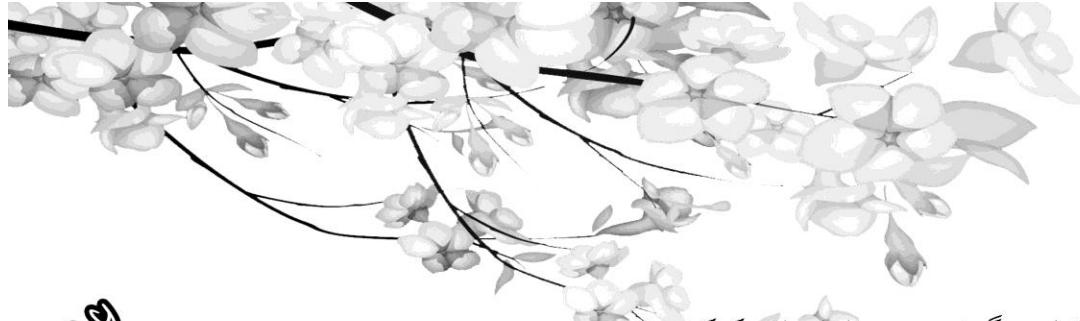
چهارده قرن پیش در بیان بدر، مسلمانان که شماره آنها از ۳۱۳ نفر تجاوز نمی کرد، و از نظر ایزار جنگی و دفاعی تجهیز کافی نداشتند با ارتش مجهز و نیرومند قریش روپروردند.

احتمال پیروزی مسلمانان از نظر محاسبه یک کارشناس نظامی بسیار ناجیز بود و هرگز تصور نمی شد که این گروه ناجیز سازمان یک ارتش نیرومند را در هم کوبند. ولی برخلاف پندراهای مردم مادی و کارشناسان ماده پرست، یک اقلیت دارای نیروی ایمان به هدف، در ظرف چند ساعت بر یک ارتش مجهز پیروز گردید.

این حقیقتی است که خود دشمن به آن اعتراف کرد زیرا پیش از نبرد، قهرمانی از سپاه دشمن مامور شد که قدرت مادی و روحی سپاه مسلمانان را ارزیابی کند و گزارش صحیحی در این باره به فرماندهی کل قوات سليم نماید. او پس از یک بررسی صحیح چنین گزارش داد: "مسلمانان اگر چه از نظر شماره در اقلیت هستند ولی از نظر توانایی روحی و استقامت در راه عقیده خود بسیار ممتازند. آنان جمعیتی هستند که جز شمشیرهای خود پناهگاهی ندارند. تا هر نفر از آنها یک نفر از شما را نکشد کشته نخواهد شد. هر گاه به تعداد خودشان از شما کشتن دیگر زندگی چه سودی خواهد داشت."

چنین نمونه های بارزی در تاریخ اسلام و سایر ادیان وجود دارد. گردانی از ارتش اسلام اسیر روم مسیحی گردید و در دادگاه نظامی دشمن همه به اعدام محکوم شدند. به فرمانده گردان پیشنهاد شد که اگر به آئین مسیح بگردد، دادگاه رأی خود را پس خواهد گرفت. فرمانده مسلمان که هدف را بالاتر از جان خویش می پندشت و می داشت که اگر حتی به ظاهر دست از اسلام بردارد، و به آئین مسیح بگردد، علاوه بر اینکه به آئین خود که آن را بالاتر از جان خویش می داند اهانت کرده، سبب خواهد شد که سائر سربازان اسلام که در همان زمان در جبهه های جنگ با کمال مردانگی می جنگیند، شهامت خود را از دست بدهند و روح تسییم بر آنها حکومت نمایند. لذا با صراحة پیشنهاد دادگاه را رد کرد. دادگاه به فرمانده که نامش حذافه بود و عده داد که اگر آئین مسیح علیه السلام را انتخاب کند، با دختر





سایه های
زندگانی

حکایت

یاعلی! به فریادم برس

ناگهان صدایی از پشت سرم شنیدم. سواری به من نهیب زد؛ بر خیز! من با کمال غرور گفتتم: آیا می خواهی شفاعت این زن را بکنی؟ تو خودت نمی توانی از چنگم بگیری. تا این جسارت را کردم، نوک شمشیر را به پشم فرو کرد، من افتادم. آن دوزن به سوار گفتند: لطف کردی که ما را از دست این ظالم نجات دادی، خواهش می کنیم ما را تا قبر علی علیه السلام همراهی کن. آن سوار با صدای گرم و مهربان فرمود: زیارت شما قبول است، من خودم علی بن ابی طالب هستم!

اینجا بود که من از کار زشت خود پیشیمان شدم. فوراً خودم را به پای حضرت انداختم و عرض کردم: آقا! من توبه کردم، مرا بیخش. حضرت فرمود: اگر واقعاً توبه کرده باشی، خدامی پذیرد. عرض کردم: این زخم، مرا بسیار آزار می دهد. آن حضرت مشتی خاک برداشت و بر پشت من زد. زخم من بهبود یافت ولی اثر آن برای همیشه بر پشم باقی ماند.

عاقبت بخیران عالم
علی محمد عبداللهی

زید نساج می گوید: پیر مرد همسایه ای داشتم که کمتر

او را می دیدم. روز جمعه ای بود، او لخت شده بود تا غسل جمعه را انجام دهد. در پشتش زخمی را دیدم که به اندازه یک وجب و جایش چرک کرده بود. نزدیکش رفته و علت زخمش را پرسیدم. ابتدا چیزی نگفت، اما وقتی بیش از حد اصرار کردم بنناچار داستانش را چنین شروع کرد.

در جوانی با چند نفر از دوستانم به فسق و فجور و کارهای زشت و گناه مشغول بودیم. هر شب در خانه یکی از دوستان جمع می شدیم. تا این که شبی نوبت من شد. در خانه چیزی موجود نبود. ناگیر شمشیرم را برداشتم و از کوفه بیرون رفتم، شاید کسی از کنارم رد شود و من به او دستبرد بزنم. مدتی گذشت، هوا ابری و تاریک شد. ناگهان رعد و برق شروع شد و برقی جستن کرد و من در روشنایی برق، دو زن را مشاهده کردم.

خودم را به سرعت به آنها رسانیدم و فریاد زدم: هر چه دارید فوراً بدھید و گرنہ کشته می شوید! آن دو زن بیچاره جواهراتی را که همراه داشتند به من دادند. در این هنگام برق دیگری جستن کرد، متوجه شدم که یکی از آنها جوان و زیبا و دیگری پیر است. شیطان مرا فریب داد، خواستم به آن زن جوان دست درازی کنم. پیر زن پیراهنم را گرفت و التماس کنان گفت: دست از این دختر بردار، او بیتم است و من خاله او هستم. او فردا شب با پسر عمومیش ازدواج می کند. امروز از من خواست که او را به زیارت قبر حضرت علی علیه السلام ببرم، شاید پس از رفتن به خانه شوهر دیگر موفق به زیارت نشود. بیا و به خاطر حضرت علی علیه السلام دست از او بردار. من اعتنا نکرده و دختر را به زمین انداختم. در این موقع دختر در کمال یاس و دل شکستگی گفت:



من مواعظ على «عليه السلام»:

من استطاع أن يمنع نفسه من أربعة أشياء فهو خليل بأن
لاينزل به مكرورةً أبداً قيل: وما هنّ يا أمير المؤمنين!
قال: العجلة واللجاجة والعجب والتواني.

تحف العقول ص ۲۲۲

شرح حديث

مقام معظم رهبری حفظه الله در شرح این حديث می فرمایند:
هر کس این چهار صفت را از خود دور کند خواه فرد باشد، خواه مجموعه
دست اندر کاران و رؤسای جامعه، هیچ گاه حادثه و واقعه ناخوشایندی، متوجه او
نخواهد شد:

۱. عجله: بدون تأثی و دقت، تصمیم‌گیری کند یا کاری را اجراء نماید (عجله
غیر از سرعت در عمل است).
۲. لجاجت: یکی از مسائل خطرناک و بلاهای دامن‌گیر، اصرار و پافشاری ناحق،
در مسأله‌ای است که چون این حرف را گفته و یا چنین موضوعی اتخاذ کرده
حاضر نیست عقب‌نشینی کند و لو خلاف آن ثابت شود.
۳. مغورشدن و خودشگفتی: که انسان نقص‌ها و ضعف‌های خود را ندیده و
احیاناً محسناش را بزرگ بشمرد.
۴. کاهلی و سستی: کار امروز را به فردا افکندن و تأخیر انداختن.
بنده، در اثر تجربیاتی که در سالهای متمادی پیدا کردم به این نتیجه رسیدم
که این سخن، علی (علیه السلام) واقعاً حکمت تمامی است و همه ضرر و زیان
هایی که متوجه جامعه شده است در اثر این امور بوده. خداوند ان شاء الله ما را
با مجاهدت خودمان و با توفیق خودش از این صفات دور بدارد.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبر
www.leader.ir